

تفتیش
۱۹۵۸

کتابخانه

دیاچیه

تفتیش

۲۷/۱۹

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۷/۱۹

بر لوایب دانش پوشیده نیست که در هر عصری چه در زمان
مثل قدیمه یا جدیده خواه در ایران یا سایر قطعات دنیا حوادث مهمه را
علماء فن تاریخ یا بر ویت و مشاهده یا بواسطه مخبرین موثق جهت حدوترا
پی برده برای آگاهی اذهان عموم واقعاترا مضبوط و بدون نموده اند
چنانچه مشاهده میکنیم که از تدوین آن مطالب که در صفحات تواریخ
مندرج است پی به حالات و کیفیات مردم آن زمان میبریم و زحمات
آثار آنها را مثل این است که ما خود حاضر بوده برای العین مشاهده
مینمائیم بالجمله واقعاتیکه بیشتر جالب نظر و اذهان است همانا
وقایعی است که مردم دوره خود را گرفتار زحمات و دوچار بنیات
فوق العاده کرده و مایه عبرت و تنبه خواهد شد - در تواریخ ایران
از ابتدا تا کنون انقلابات سخت و اتفاقاتی را که مورخین نگاشته اند
بنا بر عقیده بلکه مسلمی مردمان بصیر عالم مانند حوادث این دوره
اخیر یعنی از سنه ۱۳۲۴ که روز بروز بحال و مردم ایران
وارد شده نبوده

اگرچه در عرض این شش سال اخیره مخبرین و خبرنگاران
ایرانی هر یک علی قدر مراتبهم باندازه وسع خود استخبار کرده و

❦ دیباچه ❦

شطری از وقایع این چند ساله را مرقوم نموده اند ولی خبرنگاران و ساینده‌گان دولت بیه انگلیس آن به آن خبر واقعات ایران را بوسائل مختلفه بدست آورده هرهمه بلکه همه روزه بسفارت طهران راپورت داده و انهاء داشته اند و سفارت بدربار انگلستان ارسال نموده و وزارت امور خارجه انگلیس آن اخبار و وقایع را بامراسلات و محابراتی که فیما بین دولتین انگلیس و روس و ایران تبادل یافته و ارسال و مرسول گردیده به پارلمان متهود و بناجازه اعلیحضرت پادشاه انگلستان سال بسال تدوین و چاپ کرده برای اشاعه و اطلاع عموم باسم کتاب آبی و غیره انتشار داده اند

در این هنگام حضرت اشرف آقای سردار اسعد مد ظله العالی جوزا میخواستند ابناء وطن را از کماهی و حقیقه انقلاب این چند سانه آگاه و درحال ایفاظ و انتباه آورند لهذا تمام کتابهای آبی را از بدو مشروطیت ایران تا آخرین مجلد آن بترجمه و طبع رسانیده اند و ترجمه این کتاب را بعهده آقای میرزا سید ابوالقاسمخان واسگذار فرمودند ابتدای این کتاب را ایشان ترجمه نموده ولی چون در ترجمه قسمت آخر آن تعطیل روی داد لهذا حضرت اشرف معظم له دامت شوکته اتمام ترجمه کتاب را بمساعدت و اهتمام آقای میرزا محمود خان ولد جناب آقای نصیرالدوله محول فرمودند و از نمره ۱۰۵ الی آخر را معزی البه باتفاق آقای میرزا حسن خان اصفهانی دیپلمه مدرسه آمریکائی ترجمه نمودند

مراسلات مربوط بامور ایران

نمره - ۱

تلگراف سراسپرنیک * رایس به * سر ادوارد ~~گری~~ -
(وصول ۱۷ دسامبر)

از طهران مورخه ۱۷ دسامبر ۱۹۰۶
تاکنون شاه * زنده است - و دیروز حالتش بهتر بود -
دیشب ولیمهد وارد طهران گردید

نمره - ۲

تلگراف سراسپرنیک و ایس به سر ادوارد گری - (وصول
۲۹ دسامبر)

از طهران مورخه ۲۹ دسامبر ۱۹۰۶
مجدداً حالت شاه رو به بهبودی نهاده و بی التیون ولیمهد
به نیابت سلطنت مبعوثی امور است

* سراسپرنیک رایس - سفیر انگلیس متبع طهران * سر ادوارد گری وزیر
امور خارجه دولت انگلیس
* منصوره از شاه مظفرالدین شاه و غرض از ولیمهد که علی معز است

خلاصه وقایع ایران در سال ۱۹۰۶

میلادی مطابق ۱۳۲۴ هجری

سال ۱۹۰۶ هجری مهم تاریخی ایران شمرده میشود -
 چه در این سال اساس مشروطیت برپا و مجلس مبعوثان منعقد و
 این مملکت در عداد ممالک مشروطه معرفی گردید
 مدتی وضع ایران حالتی پیدا کرده بود که هیچکس تحمل
 آنرا نمی توانست نمود - پادشاه بکلی آلتی بود در دست عده از
 درباریان بیعلم فاسدی که بر و مدخل معاش خویش را از چپاول
 ملت و غارت مملکت قرار داده بودند - و آنچه را که شاه از
 پدر خود وارث در یافته بود با بسیاری از ذخایر و اموال سلطنتی
 و ملی را تبذیر نموده لهذا مجبور باستقراض از خارجه شد - پس
 از وصول آن تمامی را چه صرف مسافرت فرنگ و چه بذل به
 درباریان کرده و چون همه ساله مالیه مملکت کسر و نقصان می یافت
 و بر قروض داخلی هم روزه افزوده می گشت در این صورت
 چاره بنظر نیاوردند جز اینکه مجدداً از خارجه بقرض دیگر
 استعانت جویند و چنانچه معروف بود آنرا نیز در همان راهائی
 صرف خواهند نمود که قروض سابقه را بمصرف رسانیدند و
 قروض هم داده نمیشد مگر بشروطی که باعتقاد عامه سبب اضمحلال



استقلال مملکت می بود

کما اینکه از این مسائل اطلاع داشتند فقط حتی از جوانان
باستقلالی بودند که دولت آنها را برای عقد معاهدات قروض
و قبول شروط آن اختیار تامه بخشیده بود و جز معدودی از
اشخاص که از رموز مطالب مستحضر بودند و نمی توانستند
مکشوف سازند اکثر ایرانیان خاصه علما وقایع را بطور
میهم میدالستند

علمای نجف در زمان صدارت * اتابک سابق هیجان
سخت عوده در جلو گیری اعمالیکه پادشاه و درباریان می نمودند
و نزدیک بود بواسطه سوء اعمالشان مملکت بخارجیه فروخته شود
اقدامات مجدانه کرده عاقبت اتابک استمفا داد و بجای او * صدر
اعظم جدیدی منصوب شد - ابتدا وی باصلاح مالیه کوشید تا بواسطه
مرتب شدن آن شاید مملکت از آن بیحد محتاج باستقراض نشود و
از مساعدت مالیه خارجیه نجافی باید ولی همینکه اقتدار یافت و در
دولت نفوذ پیدا نمود معلوم شد که قصدش نه چنین بوده بلکه
غرضش اندوختن مال و مقصود عمده اش پر کردن کیسه خود
بوده است - * نصیحت کوی بزرگ شاه را باخویش متحد نمود که

* اتابک سابق (میرزا علی اصغر خان امین السلطان)

* صدر اعظم جدید (عین الدوله)

* نصیحت کوی بزرگ (امیر بهادر)

آنچه غارت کنند بالسویه مابین خود تقسیم نمایند. حکومتها متاع خرید و فروش گردید. محترکین غله و کندم را احتکار نموده به قیمتهای کزاف میفروختند. اساسه سلطنتی و اسباب دولتی یا به سرقت برده می شد و یا محض اینکه سودگی بدو متحد مذکور عاید شود برای بکان فروش مبرفت. متمولین را بطهران احضار و از هر يك مبلغ کثیری وجه نقد بزور و جبر می گرفتند. ظلم بانواع مختلفه شیوع تامه یافت. هیچکس صاحب اموال خود نبود و از جان خویش اطمینان نداشت. تصرف اموال مردم و درین حقن خون ایشان سته بود برحم اولیای امور بالاخره بواسطه این بیعدالتها نزدیک بود اهالی شورش نموده پادشاه بی قدرت را صکه از او سلب احتیارات شده بود از سلطنت معرول و ولیمهدش را نیز مجبور باستعفا نمایند و در این موقع برخی بخيال اقتادند صکه شعاع السلطنه پسر دویم شاه را که در ظلم و انحساف حتی در خود ایران ضرب المثل است بولیمهدی منصوب نمایند تمام طبقات ایرانیها و جمعی از دانایان وطن دوست که میدانستند بملاصکت گرفتار چه مخاطرات خواهد گردید و همچنین علما و پیشوایان مذهب که اضمحلال استقلال خویش و وطن خود را آشکار میدیدند و نیز اغلب اهالی و کلیه طبقات تجار و کسبه که قربانی ظلم ظالمین و مستبدین غنیم بودند از رفتار و فشار اتابک (میرالدوله) و رفقاییش بستوه آمده بمخالفت و ضدیت وی



برخواستند تا در ماه دسامبر طوفان انقلابات و زیدن گرفت - حام
طهران سپید پیر را بدون تقصیر و جنایتی که سزاوار تنیه باشد
امر نمود بچوبش بستند و با کمال پیرحمی ویرا تازیانه زدند -
جمع کثیری از علما و مجتهدین که این گونه پیرحمی را مشاهده
نمودند خود داری نتوانستند نمود از طهران هجرت نموده در
زاویه حضرت عبدالعظیم محض داد خواهی مظلومین متحصص
شدند - دولت چه بدادن رشوه و چه بواسطه تهدید هر قدر
حکومتش کرد که ایشانرا از حضرت عبدالعظیم بطهران
عودت دهد و جلو گیری از اقداماتشان نموده محاصره آنها را
متفرق سازد فایده نخبید بلکه در پافشای و استقامتشان افزوده
گشت و اگر کسی از علما و غیره موافقت با حیالات دولت مضمود
و از آن طرفداری میکرد فوراً بجهات معروف و مطرود عالمه
گشته داغ باطله میخورد - شاه که علما و تجار و نسیه و سایر
طبقه را متفق و ثابت قدم دید از اقدامات خویش مابوس گشته
سر تسلیم پیش آورد و بدروغ وعده ها داد که عدلیه را اصلاح
و وزارتخانهها را مرتب نماید و بملت اجازه داد که از طرف خود
نمایند بعدلیه و سایر ادارات بفرستد - اما متحصنین حضرت
عبدالعظیم تغذیات خویش را با عباراتی بسیار ساده و متهیج
بطبع رسانیده انتشار دادند و مردم را بوطن دوستی و پیروی
احکام الهی و متابعت عقاید اسلامی دعوت میکردند و از وضع

سلطنت شاه و بد سلوکی دوبارویان که مسؤولیت خرابی مملکت و
سدمات اهالی آن درعهده ایشان است آشکارا بنای مذمت و سر
زنشرا نهادند این بود اول عملیکه ملت اقدام کرد - و در آخر
ماه ژانویه ختم شد باین معنی ~~که~~ متحصنین زاویه حضرت
عبدالعظیم را در کالسکه های سلطنتی بطهران عسودت داده
در حالتی که جمع کثیری از اشخاص باحرارت وطن دوست اطراف
انهارا محض حفظ از مخاطرات احاطه داشتند

دولت بکن کرد که بواسطه معاودت ایشان رفع قائمه شده
دیگر بیم هیچگونه خطری نخواهد بود - بعضی از ملاحا که
میدانستند اگر تظاهرات جدیده روی دهد هر اینه تسلط و استقلال
ایشان گرفتار مخاطرات و دچار محذورات خواهد گردید بنای
تفاق را بارؤسای ملت نهادند - ولی این حرکات اثری نخشید و
آنانرا از این مسلک فایده حاصل نکردید

جمعی از مقدسین و سکسانیکه کن میرفت میتوانند از
اعمشات جیو پری نمایند ناصر شاه احضار شدند که با ایشان
مشورت و مصلحت نمایند ولی شاه بهیچوجه اقدامی در مشورت
و ابقاء بتواعید خود نموده از آن همه توبدها که داده بود هیچ
یک را بموقع اجری در نیاورد مگر مجدداً بدادن یک دستخط
بههمی که دایر کردن عدلیه ها و اعطای قانون جدید و منمقد
نودن مجلسی را که بمنز اصلاح اهودات باشد وعده میداد - پس

از چند روزی معلوم شد که اجزا و کسانی که در این مجلس بایستی وضع قوانین اصلاح و تنظیم امور را نمایند در تحت حکم و اقتدار دولت خواهند بود - ومدتی نگذشت که نیز فهمیده شد بعضی از مجتهدین باطناً مانع از پیشرفت مقاصد ملت میباشند - باری در طهران از ترس و خوف آرامی و سکون ووی داد و ایکن در سایر ولایات مانند شیراز و رشت اهالی جداً به ممانعت برخواسته متفق القول اظهار داشتند که پسران شاهرا بحکومت نخواهند پذیرفت و بقدری استقامت ورزیدند تا بمقصود خویش نائل آمدند

اگر چه در بازارها و کوچه های پای تخت هیچ صدائی شنیده نمی شد سکوت و آرامی غلبه داشت ولی در مساجد همه روزه واعظین و ناطقین مردمرا موعظه می نمودند چنانچه یکی از طرفداران عامه باکمال قوت قلب به مردم خطاب نموده بود که ای مردم « آنچه را که قدرت نصورش را نداشتیم در سال گذشته باکمال آزادی و آشکار بزبان واندیم » - و نیز یکی از شاهزادگان که از معاریف و عاظم و ادبا است همه جمعه در منابر و مساجد از فساد اعمال درباریان و ظلم دولتیان و مظلومیت ملت نطقها می کرد و مردم را موعظه می نمود - از طرف دولت حکم صادر شد که ویرا نفی بلد نمایند - علما و مجتهدین بزرگ به تحریک مردم به ممانعت برخواستند و دولت فشار سخت وارد

آوردند که از گرفتاری وی صرف نظر کند و مزاحم او نکردد دولت مجبور شد قبول نماید و نیز در ضمن این واقعه مطلب تازه کشف گردیده معلوم شد واعظ مذکور در اتحاد کلبه مسلمین سمت نمایندگی دارد و بدین واسطه وزیر مختار دولت عثمانی با وی دوستی داشته کمال حمایت را از وی می نماید

در این اوقات دولت جاره ندید جز اینکه مجلسی را که سابق وعده انعقادش را داده بود منعقد ساخته در خصوص اصلاح امورات مشاوره شود - لهذا وزرا و اعیان مامر شاه در دوبر حاضر شدند ولی درباریان و کسانی که شاه را در چنگال خود داشتند هنوز امید وار بوده اعتنائی باین گونه اقدامات نمی کردند زیرا کسی جرات نداشت عقاید خود را در آن مجلس ظاهر سازد و بطور واضح و آزاد سخن بگوید مگر احتشام السلطنه که روزی بازبانی فصیح و بیانی بلیغ و کلماتی شدید اظهار داشت که مشاء ویرانی مملکت و سب خرابی دولت صدر اعظم و رفقای او است - مدات و مسکنت دولت نیت مکر بواسطه اینان - در هائوقت سخنان وی در شهر انتشار یافت - اما * وزیر دوبر ~~که~~ خود را از ملازمین و نوکرهای مخصوص صدر اعظم می دانست پی در پی بیانات احتشام السلطنه را قطع کرده می گفت « هر کس چنین بگوید خائن و نمک بحرام است » - بواسطه این

* وزیر دوبر (امیر بهادر)

سحنان نکذاشتند این ناطق دلیر در پایتخت بماند فوراً او را بیکی از نقاط بیده مملکت بماموریت فرستادند و نیز وزیر نجار را که در مواقع و اوقات مختلفه از ترتیبات اداره مسیو نوژ رئیس کربکات اشکار عیب جوئی مینمود و بر ضد او حرفها می زد نفی ببله نمودند و بدین جهات در طهران ظاهراً انقلابات فرو نشست

در اواسط ماه مه شاه مبتلا بمرض فلج گردید و طوری از حس افتاد که هیچ کاری از وی ساخته نمی شد - دوست یگانه و رفیق شفیق صدر اعظم یعنی وزیر دربار مستبد کهنه پرست اخبار را تغییر و تبدیل میداد و هرگز نمیکذاشت عین وقایع بمعرض شاه برسد و اگر کسی از حقیقت مطالب اظهاری بشاه می نمود فوری اقوالش را تکذیب می کردند

چون مسوق دفتن به بیلاق شد شاه را در اواسط ماه ژوان بصاحبقرانبه که مقر بیلاق سلطنتی است حرکت دادند و بدینواسطه هیجان اهالی شهر بیشتر تسکین یافت ولی مدت زمان این آوازی و سکوت ناهفته اول ماه ژویه بیشتر بطول نیانجامید - مجدداً علما و ناطقین در مساجد بتای موعظه و نطق را گذاشتند - رفتار زشت درباویان را تقبیح میکردند و مردم را بدفع اهل ظلم و فساد بر می انگیزختند - در یازدهم ماه ژویه وزیر اعظم امر به قید یکی از وعاظ معروف نمود - ماهوربن از دور و کنار در اطراف خانه و کوچه که محل آمد و رفت وی بود بکمین نشست

منتظر بودند که او را دهنه دستگیر نمایند - اتفاقاً همان وقت که او را مقید ساخته میخواستند بپند یک زن که از آن محل عبور میکرد چون از کیفیت واقعه مستحضر شد مردمرا از کفر قناری وی مطلع ساخت - جمع کثیری از کسبه و غره برای استخلاص او از هرجانب هجوم آوردند - رئیس مامورین که از صاحبمنصبان نظامی بود سربازها را فرمان شلیک داد سربازها از این حرکت امتناع ورزیده امر صاحبمنصبرا اطاعت نکردند - فرمانده خودش مبادوت بشلیک کرده جوان سیدرا هدف گلوله ساخت و در همان نقطه هلاک نمود - مردم از کشته شدن سید پیشر بهیجان آمده قراولخانه که واعظ مذکور در آنجا حبس بود حمله آوردند و در این وقت چهار تیر از طرف سربازها شلیک شد و چند نفر از مردم مجروح گشتند - پس از جنگ مختصری سربازها شکست خورده فرار اختیار کردند - انگاه جسد سید را به مدرسه که در همان حوالی بود انتقال دادند و جمعیت کثیری در آنجا اجتماع نموده صورت واقعه را بعلاها و پیش نازهای آن اطراف پیغام فرستاده ایشان را بدانجا طلبیدند - طولی نکشید که علما و طلاب با بسیاری از مردم وارد مدرسه گردیدند و در همان وقت بازارها نیز بسته شد

مردم کفن بگردن افکنده در کوچه و بازار ازدحام نموده مثل اینکه بخواهند جهاد کنند و برای کشته شدن

آماده باشند و همچنین زنها مویه کنان بر سر و سینه می زدند و دولترا بفرین ودعای بد یاد میکردند - چون خبر این حادثه بوزیر اعظم رسید معجلا با گروهی از سواران که اطرافش را احاطه داشتند بطهران آمد و بلا تامل مجلسی منعقد ساخته پس از مشورت صلاح چنین دیدند که قوه نظامی استعمال شود لهذا دو تمام بازارها سر باز مامور نمودند و پدیوار های شهر اعلان نصب نمودند که مفسادش سر زش و توییح از هیجان بود و نیز امر بر طبقه علما که هر تظلمی دارند اظهار نمایند و همچنین مشعر بود بر استقرار دائمی صدر اعظم و عدم عزل او از صداوت - تا ۱۲ ژویه هیچگونه تغییر و تبدیلی در اوضاع داده نشد - محترمین از علما و مجتهدین و بسیاری از تجار و کسبه در مسجد جمعه طهران اجتماع نموده انجا را مأمن خود قرار داده بودند - سر باز ها انجا را احاطه نمودند - روز ۱۳ ژویه عده از مردم پیراهن خونی سید مقتول را بر سر جوب نصب کرده بدست گرفتند و بحالت سینه زن و حسین حسین کویان در بازار بگردش در آمدند سر باز ها که مانع از حرکات ایشان بودند يك مرتبه بطرف جمعیت شلیک کرده جمعی را مقتول و عده را مجروح ساختند - اجساد مقتولین را سر باز ها مخفیانه حمل کردند و در چاهی که نزدیک شهر است فرو ریختند - وقتی خبر این واقعه باقا سید عبدالله مجتهد که در مسجد جمعه وعظه می نمود رسید قرآرا بر سردست

رفته مرد مرا قسم داد که متفرق شوند و در مسجد توقف نکنند و ضمناً پیغامی که کتباً از طرف شاه فرستاده شده بود در حضور جمیع قرائت نمود و پس از آن گفت « ای مردم آنچه را که در باب عدالت خواهش و تقاضا نمودید عاقبت جز کلاه جوانی نشنیدید »

از سیزدهم تا پانزدهم ژویه علما و مجتهدین از مسجد نتوانستند خارج شوند و چنان محاصره شده بودند که آذوقه و نان باکال اشکال و بطور مخفی باها میرسید — بالاخره دولت علما را اجازه داد که از طهران خارج شوند و بهر جا مایل باشند عزیمت نمایند بشرط آنکه مردم با آنها مسافرت نکنند

روز پانزدهم ژویه مجتهدین و علما از طهران عازم قم گردیدند و شب در مسجد بین راه توقف کردند و از آنجا اعلام نمودند که اگر شاه ایفاء بمواعید خود و وضع قوانین اصلاح و تنظیم را نماید و صدر اعظم را معزول نکند هر آینه اجماع علما و مجتهدین باماکن مقدسه هجرت خواهند کرد بطوریکه به پیشوائی دریای تخت باقی بماند و نه امور شرعی از این بعد در آنجا اجرا شود

در این وقت ظاهراً دولت فاتح و غالب آمد — و شهر را در تحت قوه نظامی در آوردند — رؤسا و محرکین ملت از ترس فرار کردند — حکومت باستفسار احوال طرفداران ملت

و تجسس آنها برآمده و با کمال دقت مواظب رفتار ایشان بود درباریان و مدعیان هوا خواهان ملت نفوذ تامه در شاه حاصل کرده او را بکلی در حیطه تصرف خویش در آوردند - و بر مردم معلوم شد که بی حرمتی به معبد مسلمین و قتل اولاد رسول در نزد مدعیانشان هیچ امر قبیح و فعل شنیعی نیست - اگر چه دولتیان بمسجد حمله نیاوردند ولی بقدری سخت انجارا محاصره کرده بودند که کسی نه جرئت داشت و نه اجازه می یافت که آذوقه برای محصورین ببرد - تمام بازار در تصرف سرباز ها بود و مردم مامی که بدانجا پناهنده شوند در نظر نداشتند ناچار رجوع بعادت قدیمه نمودند یعنی بفکر این شدند که در نقطه بست اختیار نمایند - این عادت را ایرانیان از دیر زمان مشروع و مقدس میدانستند و معلوم بست از چه وقت در ایران رسم شده است

در ۱۸۴۸ میلادی اعیان و بزرگان مملکت ایران از ظلم و ستم حاجی میرزا آقاسی وزیر محمدشاه ملتی بسفارتین انگلیس و روس شده در آنجا بست نشستند و عزل او را از شاه خواستگار گردیدند - از آن زمان ایرانیانرا عادت شد که هر وقت ستم سختی از دولت میدیدند یکی از سفارتخانهای خارجه متحصن می شدند - چنانچه (قبل از محاصره مسجد و وقتن علما بقم) شیخالرئیس که از معارف و عاظ است از خوف دولت بسفارت

عمانی پناهنده شد و از آنجا خارج نگردید تا وقتیکه بنوسط سفارت
 نامین نامه از دولت برای او گرفته و در دفتر سفارت ضبط نمودند
 خلاصه مردم حاره را منحصر به پناه بردن بیکی از سفارتخانهها
 دیده در نهم ژویه یعنی قبل از کشته شدن سید و گرفتاری* و اعظ
 صکه در یازدهم ژویه رخ داد اقا سید عبدالله مجتهد که نسبت به
 سایر مجتهدین صاحب عزمی است راسخ و منزله از گرفتن رشوه
 مکتوبی نزد مستر کرت دوف شارژدافر سفارت انگلیس فرستاده
 همراهی عملی و فعلی آن سفارترا خواش نمود ولی شارژدافر
 مزبور در جواب اظهار داشت که سفارت انگلیس هیچ وجه
 حاضر نیست همراهی با خیالات کسانی نماید که رفتارشان برضد
 حکومت شاه باشد

روز شانزدهم ژویه اقا سید عبدالله در شرف حرکت از
 طهران مجدداً به مستر کرت دوف مکتوبی نوشت بدین مضمون
 صکه ما علما و مجتهدین چون راضی نیستیم خون ریزی بشود
 لهذا حرکت با ماکن مقدسه را عازم نشیم و از انجناب متعنی
 هستیم که در دفع ظلم و تعدی همراهی خود را از ما دریغ ندارد
 پس از دو روز دو نفر در قلهک که ۷ میلی شهر واقع است
 سفارت وارد شده استفسار نمودند که اسکر مردم سفارت
 پناهنده شوند آیا شارژدافر بایشان اجازه دخول خواهد داد

* مقصود از واعظ حاجی شیخ محمد واعظ میبانه

و یا آنکه مانع از ورود آنان خواهد شد — شاورژدافر اظهار داشت که امیدوارم اقدام باین عمل نشود و باینکه بست نشستن و نگهداری و حفاظت بستیان در مملکت ایران امریست مشروع ولی در صورت اقدام باین کار باز مجبور است بواسطه قوه قهریه شمارا مانع از دخول شوم — مشار الیه بغوریت وزیر امور خارجه ایرازرا از این واقعه مستحضر نمود و وزیر امور خارجه کمال امتنازا حاصله کرد لکن باوجود اینکه سفارت اطلاع داد بهیچوجه اقدامی در جلو گیری از تحصن نموده نشد

عصر نوزدهم زویه پنجاه نفر از طلاب و تجار بسفارت آمده شبرا در آنجا متوقف شدند و بر عده ایشان همه روزه افزوده می گشت تا اینکه در دوم سپتامبر عده آنها قریب به چهارده هزار نفر رسید — رفتارشان خیلی موافق نظم و ترتیب بود — حسن انتظام و ترتیب داخلی متحصنین بواسطه رؤسای ملت بود و گمانیکه احتمال فساد در حق ایشان میرفت درسفارت و میان خود راه نمیدادند — برای حفظ از آفتاب و بارندگی در سفارت چادرهای بسیار برپا بود و امور شام و نهار متحصنین چنان نظم و ترتیبی داشت که بهیچوجه تغییر در ساعات و مکان ان داده نمیشد — کلیه مصارف و مخارج را جمعی از تجار معتبر کفیل بودند — کلنل دوکلاس آتاش میلیر — مواظب ابنیه و عمارات سفارت بود باوجودیکه بهیچوجه بانسکار احتیاج نبود چه خود

متحصنین پیش از پیش رعایت نظم و قانونرا مینمودند
 جواب مستدعیات مردم را دولت ارسال داشت و ضمناً
 از - مسر آرت دوف - حواش نموده شد که برای مردم قرائت
 کند - ولی دستخطهاییکه از طرف دولت صادر میکردید ملت
 دققی بانها نمیکذاشت و از قبول ان امتناع داشتند - عاقبت چون
 دولت ملاحظه کرد که مردم بدستخط متقاعد نمیشوند حاضر شد
 که ملت جمعی را از میان خود انتخاب کند تا بحضور رفته شفاهاً
 مستدعیات خود را بگویند و دران باب گفتگو و مذاکره نمایند
 اما متحصنین باکمال ثبات قدم جواب دادند مادامیکه دولت
 مستدعیات ایشانرا بموقع قبول نرساند از سفارت خارج نخواهند
 شد زیرا بهتر از اینجا مأهنی نداشتند و نیز اظهار داشتند که
 تا شاه استحضار کامل از حالات ملت حاصل نکند در خصوص
 مستدعیات ایشان جواب مناسب نخواهد داد
 از طرف شاه به - مسر آرت دوف - اظهار شد که بوزیر
 امور خارجه بگوید مجلسی منعقد نموده در چگونگی مطالب معروضه
 ملت رسیدگی و مذاکره شود - اگر چه انعقاد مجلس بروز ۳۰
 ژویه مقرر شد ولی کسی چنین مجلسی را ندید
 یکی از سرداران که جمعی از افواج طهران سپرده باو بود
 و طرف اطمینان و دلگرمی صدر اعظم و وزیر دربار بود به
 دولت اعلام نمود که سربازان ابواب جمعی او متعرض مردم میشوند

وازدخول ایشان بسفارت حلو گری نمیکند و چیزی نمانده است که خودشان نیز بسفارت متحصن شوند فی الواقع این اعلامی بود محوف و موجب ترس صدر اعظم و وزیر دربار شد

باری درباریان مجبور به تسلیم شدند و ناچار صدر اعظم استعفا داد و عضد الملک رئیس طایفه قاجاریه بقم کسبل شد تا بعلمای متحصنین قم اطلاع بدهد که شاه مستدعیات ملترا در خصوص مجلس شورای ملی و تاسیس عدالتخانهها پذیرفت

اما اشکال عمده‌را که در این وقت - مستر کرنت دوف - دچار شد همانا سلب اطمینان مردم بود از دولت و وقتی که دولت اعلان اصلاح امور و تنظیم را داد متحصنین سفارت جواب دادند ما اطمینان بوعاید دولت نداریم و قبول نمی‌واییم نمود مگر اینکه دولت انگلستان ضمانت کند و اطمینان کامل بدهد - مستر کرنت دوف - بر حسب دستور العملیکه از دولت متبوعه خود در دست داشت ب مردم اطلاع داد که دولت انگلستان هرگز ممکن نیست ضمانت نماید ولی من شخصاً می‌توانم اطمینان بدهم که دستخطهای شاه اجرا خواهد شد

خلاصه در این وقت دولت سعی در اتحاد با ملت داشت ولی رؤسا بواسطه بجهل و مبهم بودن دستخطهای شاه به بیجوجه متقاعد نشدند و آنچه را که بدیوارها نصب کرده بودند مردم پاره و پامال می نمودند باز دولت بواسطه سختی کار محتاج بکمک

مستزکرت دوف - شد و بمصلحت مشارا ایه در خانه وزیر امور خارجه که بتاژی بجای صدر اعظم مستعفی منصوب شده بود مجلسی مرکب از رجال دولت و اهلای ملت منعقد گردید ولی - مستزکرت دوف - در گفتگویی ایشان مداخله نمیکرد مگر وقتی که از او سؤالی میشد - پس از مذاکرات بسیار و مباحثات طولانی اتفاق آراء بر این قرار گرفت که فرمانی از شاه در خصوص تاسیس مجلس مبعوثان و انتخاب وکلای ملت صادر شود - پس از صدور دستخط آراء سفارت برده در حضور متحصنین قرائت شد و مردم با کمال رضایت پذیرفتند

در هاروز قرار شد علما از قم مراجعت نمایند و نیز متحصنین از سفارت خارج گشتند عصر روز شانزدهم اوت مهاجرین قم یعنی علما و طلاب و اود طهران شدند مردم باستقبال ایشان شتافته از ورود آنها اظهار مسرت و خوشحالی میکردند روز هیجدهم اوت در یکی از عمارات جنب قصر سلطنتی يك مجلس عالی که مقدمه مجلس شورای ملی را ظاهر می ساخت منعقد گشت و حاج شیخ محمد واعظ که در حقیقت ~~مکرم~~ فتاری او مقدمه آزادی عامه شد بر فراز سکونی مرتفعی ایستاده خطبه خواند و مردم را بافتاح مجلس شورای و انتخاب وکلای ملت شادت داد - روز نوزدهم اوت مجتهدین و علمائی که از قم معاودت نموده بودند بملاقات شاه رفتند آقا سید عبدالله و آقا سید محمد در حضور طلاب

سنت بشاه دوستانه و بطور همسری رفتار نمودند و اعلیحضرت شاه خطاب بمحاضرین کرده گفت بر شماست که در خدمتگذاری بمن غفلت نوزید و خاطر ما را همواره از خود خورسند و مشغوف سازید

در جواب گفتند در حقیقت نه آنست که خدمت بان اعلیحضرت خواهیم نمود بلکه خدمتی است بخویشان و ملت خود اما طرفداران استبداد بهیچوجه از پیشرفت خیالات خویش مایوس نبوده منتظر وقت بودند که مقاصد مفسده خود را در موقع بکار برند — و هفته نگذشت که از مواعید شاه رفته رفته کاسته شد و در مضامین دستخط تصرفات نمودند بطریقی که مقصود اصلی که اعطای مشروطه بود از آن مفهوم نمی گشت — و بعلاوه شاه بکلی از امضای قانون انتخابات وکلای مجلس شورای ملی امتناع داشت — از این بابت اهالی شهر بی اندازه متغیر گشته دوباره به هیجان آمدند و — متر کنت دوف — اطلاع دادند که بواسطه این دسائیس و حیلی که مشاهده میشود ناگزیر باز باید به سفارت تحصن جست و اگر هم جلو گیری شود بزور بدانجا داخل خواهیم شد — پس از این اخطار قریب به ۲۵ نفر از رؤسای ملت بسفارت وارد گشته منزل اختیار کردند نزدیک بود دوباره اغتشاش تجدید یابد — لهذا — متر کنت دوف — بر حسب دستور و تعلیقاتیکه از لندن باو داده شده بود نزد وزیر مختار دولت روس

رفته او را دعوت به‌مراهی نمود که متفقاً مطالب را بدولت ایران
 اظهار داشته دقت رجال دولتها در اصلاح امور جلب نمایند
 اما وزیر مختار روس از هر گونه همراهی فعلی با حضور
 یکدیگر امتناع داشت فقط راضی شد که آنچه بیان نامه و یاد
 داشت فرستاده شود هر دو امضا کنند - و نتیجه که از اقدامات
 جداگانه این دو سفارت بعمل آمد همانا تبعید عین‌الدوله بود به
 خراسان و بامضا رسیدن قانون انتخابات و حکم شدن بطبع و نشر
 آن - و نیز بولایات حکم رفت که قانون انتخابات را انتشار داده
 فوراً مشغول با انتخاب شود - ولی غالب حکام اعتنائی باین امر
 نکرده و نمی‌گذاشتند مردم با انتخاب پردازند بدین واسطه رؤسای
 اهالی تبریز و رشت و مشهد مصمم شدند بقسوخانه‌های انگلیس
 رفته بست اختیار کنند

مفازن این احوال - سراسر نیک رایس - از لندن وارد
 طهران گردید - بنا بر توصیه که باو شده بود تمام قسولهای انگلیس
 مفیم ایران تلگراف نمود که مردماً حتی الامکان از دخول به
 قسوخانه‌های خود مانع شوند - و ضمناً بطور مخفی بعضی بیان نامه
 های غیر رسمی در خصوص دفع اغتشاشات و اصلاح امور مردم
 و غیره بدولت ایران ارسال داشت

خلاصه متدرجا انقلابات روی تخفیف و آرامی نهاده به
 انتخاب وکلای ولایات شروع نمودند - بملاحظه اینکه افتتاح مجلس

بتاحیر نیفتد و عاقبتی بمان نیاید قرار دادند همین که وکلای طهران انتخاب شوند بدون آنکه منتظر ورود متحصنین سایر ولایات باشند در مجلس نشسته بذاکرات پردازند

اولین جلسه مجلس جدید یعنی شورای ملی بتوسط شخص شاه با حضور علما و رجال دولت و درباریان و سفرای خارجه منعقد گشت - از آروز بیمد فوری وکلا مشغول کار شدید و اول کاریکه نمودند دولترا از قبول مساعدت مالیه روس و انگلیس و قرض کردن از آن دو دولت مانع گردیدند و بسیار سعی داشتند که آنچه را پیشنهاد دولت مینمایند اجری گردد و بفعلت نکذرانند

مجلس

چنانچه مذکور شد در هفتم اکتبر شاه شخصا مجلس را منوح ساخت و در این وقت اعضای مجلس عبارت بود از شصت و چهار نفر وکلای طهران که طبقات مختلفه ایشانرا منحب نمودند و وکلای سایر ولایات بی در پی انتخاب شده بطهران می آمدند و اینکه تاکنون عده وکلا باتمام نرسیده است بواسطه مساحه حکام ولایات و ایالات بوده است از این بابت از عده اعضای مقررده مجلس هنوز باقیست - طولی نکشید که مجلس استقلال و قوه خود را ظاهر ساخت و بکلی قرض از روس و انگلیس را مانع بود و میگفتند مالیه ملترا نباید پیش اجاب بگرو گذاشت

نمره - ۵

تلگراف سیراسپر نیک وایس به سیر ادوارد کری (وصول
۹ ژانویه)

از طهران ۸ ژانویه

دیشب بین ساعت ده و یازده شاه رحلت نمود

نمره ۶

تلگراف * سیر نیکلسن به سیر ادوارد کری

از پترس بودغ ۱۲ ژانویه ۱۹۰۷

یاد داشتی در خصوص جلوس پادشاه ایران از وزیر امور
خارجة دولت روس بدین مضمون دریافت گشت که وزیر مختار
روس مقیم طهران قرار شده است باتفاق سیراسپر نیک وایس به
دربار ایران اطلاع بدهند که دومین پسر شاهرا بولیامیدی
می شناسند

خواهش می نمایم از * میو ایس وولسکی در خصوص
مراسله که فرستاده است تشکر نموده و هم خیالی خود را باو
اظهار دارید - و نیز میو ایس وولسکی مدعی است که این
حرکت متفقانه بلا شك بنیان و پایه اتحاد دولتین را که در این
اوان درباره ایران شده است مستحکمتر خواهد نمود

* سیر نیکلسن - سفیر انگلس مقیم پترسبورغ

* میو ایس وولسکی - وزیر امور خارجه دولت روس

نمره - ۷

تلفکراف سیر ادوارد کری به سیر نیکلس

از وزارت امور خارجه ۱۴ ژانویه ۱۹۰۷

تلفکراف شما مورچه ۱۲ شهر حال در خصوص شناختن

دومین پسر شاه را بولیمهدی واصل کردید

در طریقه که وزیر امور خارجه دولت روس پیشنهاد کرده

است ما اتفاق خواهیم داشت و این مسلکرا بوزیر مختار مقیم

طهران نیز توصیه نموده ایم شا این مطبوعاً بحضرت وزیر امور

خارجه اطلاع داده و از مراغه ایشان تشکر نمائید

نمره ۸

مکتوب سیر اسپر نیک رابیس به سیر ادوارد کری (وصول

۲۱ ژانویه)

شرفعرض میرساند - در ۱۶ ماه گذشته حضرت اقدس

ولیمهدی بطهران وارد شد - مدتی در قصر سلطنتی دسایس و

حبیل معمول - مخصوصاً شعاع السلطنه و وزیر دربار سعایت در

حرکت نکردن ولیمهدی از تبریز می کردند و چه حیلها که در این

خصوص نکار کردند

مقدار پولی که روس و انگلیس بعنوان مساعدت قرار بود

بدهد صدر اعظم در نگرانی آن اصرار زیاد داشت - تا کنون

حقوق قشونی پرداخته نشده است زیرا آن مقدار پولی که کفاف